

يك كمدی جادهای



واقعیت این است که «3 درجه تب» کمدی به معنی متعارف نیست و کارگردان تلاش کرده است در روایت يك قصه جادهای لحظات مفرحی برای مخاطبان ایجاد کند، هرچند که آن را نمی‌توان يك كمدی موقعیت ناب هم تعریف کرد.

جام جم آنلاین: واقعیت این است که «3 درجه تب» کمدی به معنی متعارف نیست و کارگردان تلاش کرده است در روایت يك قصه جادهای لحظات مفرحی برای مخاطبان ایجاد کند، هرچند که آن را نمی‌توان يك كمدی موقعیت ناب هم تعریف کرد. اساساً جنس كمدی‌های حمیدرضا صلاحمند که نمونه موفق‌ترش را در «171 نیش زنبور» دیده بودیم و همین سریال «171 بچه‌ها نگاه می‌کنند» که در ایام نوروز پخش شد، ساختار نامتعارفی دارد و به نوعی در مرز بین شوخی و جدی می‌گذرد. مثلاً بازیگران طنز این آثار، شخصیت و تیپ همیشگی را نداشته و بیشتر در خدمت داستان و ماهیت كمدی آن هستند. هرچند که صلاحمند در عین حال از ظرفیت‌های آشنای این بازیگران نیز در ترسیم شخصیت‌های قصه بهره می‌برد. نمونه‌اش بازی‌های رضا عطاران و علی صادقی در همین فیلم است.

اگر بتوانیم شیوه صلاحمند را در روایت كمدی فیلم‌هایش يك نوآوری و تجربه منحصر به فرد بدانیم، بازهم این خلاقیت در بستر ساختار کلاسیک از قصه‌گویی اتفاق می‌افتد. 3 درجه تب تلاش می‌کند تا با تکیه بر روایت کلاسیک، موقعیت 3 شخصیت خود را در يك سفر جادهای به تصویر بکشد.

از سوی دیگر، فیلم داستان زنی است که در آستانه ازدواج بین‌اش را به خاطر بزرگ بودن و حساسیتی که مادر داماد نسبت به آن دارد، عمل جراحی می‌کند. او همچنین نسبت به تعویض شناسنامه اقدام می‌کند، اما زمانی که المثنی صادر می‌شود، نام مردی به عنوان همسر در آن است که ماجراهایی را برای این خانم به وجود می‌آورد.

در واقع 3 درجه تب واجد يك مضمون اجتماعی است که مناسبات انسانی و عاطفی در جامعه امروز را آسیب‌شناسی طنزانه می‌کند. تعویض شناسنامه و تغییر شکل بینی شخصیت اصلی داستان، به شکل تلویحی مساله بحران هویت فردی و اجتماعی در جامعه را به نقد می‌کشد که اعتبار و منزلت آدمی را در شمایل ظاهری آن به رسمیت می‌شناسد.

در این مناسبات متظاهرانه، انسان برای حفظ شأن و اعتبار خویش یا رسیدن به منافع شخصی مجبور است تا پشت نقاب صورتی که بزک کرده است، پنهان شود. البته کارگردان از این دو اتفاق، موقعیت‌های دوگانه و متضادی هم می‌سازد که موقعیت‌های مفرح و شادی را ایجاد می‌کند.

هرچند که 3 درجه تب نسبت به نیش زنبور، كمدی ضعیف‌تری است اما در هر دو فیلم کارگردان تلاش کرده است تا به ورطه لودگی و ایجاد كمدی‌های نازل و سخیف نیفتد که این مساله در این بلبشویی كمدی‌های سطحی امتیاز ارزشمندی است.

البته این بدین معنی نیست که کارگردان به گیشه بی‌توجه بوده است. ترکیب بازیگران فیلم خود گواه صادقی است بر این که صلاحمند به جلب تماشاگران انبوه اندیشیده است. با این که تعطیلات عید زمان مناسبی برای نمایش آثار كمدی است، اما امسال برای 3 درجه تب چنین نبود و فیلم نتوانست همزمان با اکران جدایی نادر از سیمین و اخراجی‌ها 3، مخاطبان زیادی را جذب خود سازد. هرچند رقابت هر فیلم دیگری با این دو اثر سینمایی به شکست یا حداقل کم‌رونقی آن می‌انجامید.

اتفاقاً تحلیل این موقعیت از منظر جامعه‌شناسی سینما می‌تواند در تبیین این مساله کمک کند که فروش يك فیلم به عوامل درونی و بیرونی متعددی بستگی دارد که هم زمان‌مند است و هم نسبی و متکی به شرایط بیرونی. با این حال تکیه و امید به فروش خوب 3 درجه تب بیش از هر چیز به ترکیب بازیگران آن ارتباط دارد نه خود قصه و عناصر دیگر!

اکثر فیلم‌های كمدی در سینما دست‌کم در يك عنصر نمایشی اشتراك دارند و آن هم مساله ازدواج است که در بیشتر آثار طنز به يك عنصر اصلی بدل شده و در اینجا نیز محوریت قصه را از لحاظ مضمونی شکل می‌دهد. در اینجا ازدواج بیشتر بهانه‌ای است تا بحران هویت و خودباختگی‌های اجتماعی که ناشی از يك اپیدمی و مدگرایی کورکورانه است، دستمایه طنزی قرار بگیرد که در درون خود گزنده و تلخ است.

شاید عنوان فیلم نیز بر ساخته همین تاویلی است که کارگردان از مضمون قصه در ساختار اجتماعی دارد؛ يك نوع تب‌زدگی و موج تب‌های مدگرایی که تا تغییر شکل بینی و تلاش برای زیبایی تصنعی صورت می‌گیرد. تهی بودن این موقعیت نیز برآمده از همین

تصنعي بودن زیبایی نهفته در این عمل است.

در پایان باید گفت که جدا از زمان نامناسب اکران، دلیل اصلی موفق نبودن فیلم 3 درجه تب در جذب مخاطب، روایت نامنسجم و ناموزون موقعیت‌های داستانی در کنار بازی‌های غیرخلاقانه و کلیشه‌ای آن است که برای صلاح‌مند به نسبت فیلم اولش، یک گام به عقب محسوب می‌شود.

سید رضا صائمی

جام جم